

سراب بازگشت

آقایان مدیر، پرسپولیس زنگ تفریح نیست!

این روزها در بازار مکاره نقل وانتقالات، نمایشی در حال اکران است که فیلمنامه‌اش برای سکوهای سرخ به‌شدت آشنا و البته آزاردهنده است. قهرمان این درام تکراری، ستاره‌ای است که پس از رسیدن به بن بست در اردوگاه رقیب، حالا فیلش یاد هندوستان کرده و اطرافیانش پالس‌های بازگشت به پرسپولیس را مخابره می‌کنند. اما آقایان مدیر در باشگاه پرسپولیس، لطفاً و تحت هیچ شرایطی، زیر بار این بازی نروید! رامین رضاییان، بازیکنی که کیفیت فنی‌اش در جام‌جهانی غیرقابل انکار بود، درست در روزهایی که استقلال یا یک تصمیم شجاعانه و مدیریتی قید ارقام نجومی و حواشی بی‌پایانش را زد، ناگهان به یاد پرسپولیس افتاده است اما حافظه هوادار پرسپولیس، برخلاف حافظه کوتا مدت فوتبسال ایران، به این زودی‌ها پاک نمی‌شود. سکوهای سرخ هنوز فراموش نکرده‌اند روزهای را که این بازیکن به رنگ پیراهن تیمش پشت کرد و با تعصب‌های نمایشی و بوسه بر لوگوی رقیب، برای آبی‌ها دلبری می‌کرد.

فوتبال امروز تجارت بی‌رحمی است اما هنوز هم اصولی دارد که قداست و اتوریته یک باشگاه را حفظ می‌کند. استقلال سهراب بختیاری‌زاده، با تمام نیازهایش به یک ستاره، شجاعت به خرج داد و یک «نه» بزرگ به این زباده‌خواهی گفت. حالا نوبت شماست. پرسپولیس نباید پناهگاه و گزینه دوم بازیکنی باشد که تیم‌های دیگر او را پس زده‌اند. خوشبختانه مهدی تارتار با یک نگاه هوشمندانه، پازل تیمش را بر مبنای جوانگرایی و آرامش رختکن چیده است. وقتی سرمربی تیم بادرک درست از شرایط، قید نام ۳۶ ساله رامین را می‌زند و ترجیح می‌دهد سرمایه باشگاه را روی استعدادهای زیر ۳۰ سال هزینه کند، مدیریت هم باید با قاطعیت پشت این تصمیم بایستد.

آقایان تصمیم‌گیرنده پیراهن پرسپولیس، راه فرار از یک بحران شخصی و بن بست نقل وانتقالاتی نیست. اجازه ندهید نام بزرگ این باشگاه، به ابزاری برای بسازی بازار گرمی یا تسویه حساب‌های رسانه‌ای تبدیل شود. درها را ببندید، به غرور جریحه‌دار شده هوادار احترام بگذارید و بگذارید رامین رضاییان، ماجراجویی‌های پرهزینه‌اش را کیلومترها دورتر از پیراهن سرسرخ دنبال کند. این بدون شک، حیاتی‌ترین تصمیم مدیریتی شما در این تابستان خواهد بود.



پایان قصه رامین

مهرثیه‌ای برای تعصب‌های میلیاردی؛ رضاییان و پایان یک نمایش پرهزینه

■ اگر به کارنامه فوتبالی رامین رضاییان نگاهی دقیق و تحلیلی ببنداریم، با الگویی تکرار شونده مواجه می‌شویم؛ بازیکنی با کیفیت فنی غیرقابل انکار، از سال‌های طلایی و میل هجومی و ویرانگر اما به‌شدت ناآرام و بی‌قرار. رامین در پرسپولیس درخشید اما حواشی او را به سمت درهای خروجی برد. در اروپا تلاش کرد اما دوام نیاورد. در سپاهان ستاره بود اما ماندگار نشد. به استقلال آمد، قلب هواداران را تسخیر کرد، سپس قرضی راهی فولاد شد و در آنجا دوباره اوج گرفت و حالا، دوباره در نقطه صفر ایستاده است؛ یک بازیکن آزاد بدون تیم. رامین همواره بازیکنی بوده که تکلیفش با خودش و تیم‌هایش مشخص نیست. او به جای آنکه به یک اسطوره ماندگار و یک لنگرگاه اطمینان بخش در یک باشگاه تبدیل شود، ترجیح داده نقش یک کوچ‌نشین موفق اما موقت را بازی کند؛ بازیکنی که هر جای می‌رود، می‌درخشد اما بدر اختلاف، توقعات بی‌پایان و تنش را هم با خود به رختکن می‌برد.

■ رامین رضاییان با تمام خاطرات تلخ و شیرینش، گل‌های حساسش و استارت‌های انفجاری‌اش، در استقلال به تاریخ پیوست. او با دست‌های خودش، پلی را که می‌توانست او را به یک چهره فراموش‌نشده در این باشگاه تبدیل کند، ویران کرد. درس بزرگ این جدایی برای فوتبال ایران روشن است؛ اصول مد پرتی و حفظ ساختار، بر هر نام پرآوازه‌ای ارجحیت دارد. رامین حالا می‌توانسد با جایزه‌هایش در جام‌جهانی عکس یادگاری بگیرد و به دنبال تیمی باشد که حاضر باشد برای کلمه تعصب، ۱۸۰ میلیارد تومان پرداخت کند.

■ «من از تمرین با این تیم عشق می‌کنم و تعصب استقلال را می‌کنم.» این جملات، نه دیالوگ‌های یک فیلم ملودرام بلکه کلماتی است که روزگاری نه‌چندان دور از زبان رامین رضاییان در وصف حضورش در استقلال شنیده می‌شد. اما در فوتبال بی‌رحم و البته به‌شدت مادی‌گرای امروز، تاریخ‌مصرف عشق و تعصب ظاهراً به تعداد صفرهای رقم قرارداد گره خورده است. روز گذشته باشگاه استقلال با یک اطلاعیه رسمی، نقطه پایانی بر یکی از فرسایشی‌ترین و پرحاشیه‌ترین پرونده‌های نقل‌وانتقالاتی خود گذاشت؛ پایانی بر حکایت ستاره‌ای که پس از درخشش در جام‌جهانی و کسب عنوان بهترین بازیکن فصل فوتبال ایران، پیراهن آبی را نه به‌عنوان یک افتخار بلکه به‌عنوان اهرمی برای چانه‌زنی‌های نجومی‌اش می‌دید.

■ داستان جدایی رامین از استقلال، تنها قصه یک اختلاف سلیقه فنی یا تاکتیکی نیست؛ این یک تراژدی از جنس تورم واژه‌هاست. وقتی بازیکنی از عشق به پیراهن و تعصب به سکوها سخن می‌گوید، هوادار با تمام وجود آن را باور می‌کند و او را در قلب خود جای می‌دهد اما پشت درهای بسته اتاق مدیریت و روی میز مذاکره، واقعیت دیگری در جریان است. اخبار موثق حکایت از آن دارد که اختلاف مالی میان ستاره ملی پوش و باشگاه به عدد حیرت‌انگیز ۱۰۰میلیارد تومان رسیده بود. حتی گفته شد که جناب رضاییان در یک ژست فداکارانه قید ۲۰میلیارد تومان را زده است اما باشگاه به‌درستی زیر بار رقم نجومی و سرسام‌آور ۱۸۰میلیارد تومانی نرفت. اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که باید یقه فوتبال ایران را گرفت و پرسسید که قیمت واقعی تعصب چند است؟ آیا عشقی که با ۶۰۰میلیارد تومان هم راضی نمی‌شود، اصلاً از ابتدا وجود خارجی داشته است؟ رامین رضاییان نشان داد که در بازار مکاره فوتبال امروز، تعصب تنها یک برچسب تبلیغاتی برای بالا بردن قیمت در فصل نقل‌وانتقالات است. استقلال پیش از این نیز اسیر چنین بازی‌هایی شده بود اما این بار مدیریت تصمیم گرفت دیگر صبر نکند و خط قرمزی بر نام ستاره‌ای بکشد که منافع و ارقام شخصی‌اش را فراتر از منطق باشگاه می‌دید.

صادرکنندگان

ساحل عاج بیستمین کشور صادرکننده بازیکن فوتبال است، البته بخشی از بازیکنان متولد در این کشور، به‌عنوان استعداد فرانسوی شناخته می‌شوند و گر نه تبه ساحل عاج بالاتر می‌رفت. کشورهایی که بیشترین استعداد فوتبال را پرورش می‌دهند:

۱. برزیل	۳۰۲۰	۲۶. اتریش	۳۷۲
۲. فرانسه	۲۲۹۳	۲۷. پاراگوئه	۳۶۳
۳. آرژانتین	۲۱۷۱	۲۸. سوئیس	۳۵۱
۴. انگلستان	۱۵۱۰	۲۹. ایرلند	۳۴۰
۵. اسپانیا	۱۱۰۶	۳۰. مالی	۳۲۵
۶. آلمان	۱۰۹۵	۳۱. اسلواکی	۳۱۱
۷. کلمبیا	۱۰۷۷	۳۲. یونان	۳۰۸
۸. نیجریه	۹۹۶	۳۳. اسلواونی	۲۹۵
۹. سرستان	۹۱۵	۳۴. کره‌جنوبی	۲۸۸
۱۰. کراسی	۸۵۵	۳۵. مراکش	۲۸۰
۱۱. هلند	۸۱۲	۳۶. کامرون	۲۷۵
۱۲. پرتغال	۷۸۳	۳۷. مکزیک	۲۶۶
۱۳. اروگوئه	۷۵۰	۳۸. ایسلند	۲۶۰
۱۴. غنا	۶۷۷	۳۹. مونتنگرو	۲۵۵
۱۵. بلژیک	۶۲۵	۴۰. جمهوری چک	۲۴۹
۱۶. سوئد	۵۵۰	۴۱. لهستان	۲۴۴
۱۷. اوکراین	۵۳۰	۴۲. مجارستان	۲۳۸
۱۸. سنگال	۵۱۱	۴۳. گرجستان	۲۳۱
۱۹. دانمارک	۴۹۸	۴۴. ونزوئلا	۲۲۶
۲۰. ساحل عاج	۴۸۴	۴۵. اسرائیل	۲۲۰
۲۱. روسیه	۴۵۶	۴۶. استرالیا	۲۱۸
۲۲. ایالات متحده آمریکا	۴۵۰	۴۷. گینه	۲۱۲
۲۳. ژاپن	۴۲۲	۴۸. اکوادور	۲۰۷
۲۴. ایتالیا	۴۱۳	۴۹. فنلاند	۲۰۲
۲۵. بوسنی و هرزگوین	۳۸۳	۵۰. شیلی	۱۹۸

این فهرست، میزان تولید استعدادهای حرفه‌ای فوتبال قابل صدور را براساس تعداد بازیکنان متمایز از لیونر اندازه‌گیری می‌کند؛ یعنی بازیکنانی که در یک کشور پرورش یافته‌اند، اما در بازه زمانی مورد نظر، در خارج از آن کشور بازی می‌کنند.

ظهور برق‌آسای یان دیوماندِه

بازیکن آزمایشی در آمریکا چگونه به گران‌ترین خرید تاریخ رئال مادرید تبدیل شد؟

درخشان در بوندس لیگا

■ چند باشگاه خواهان این بازیکن شدند، اما بند فسخ ۲۰میلیون یورویی او آنها را منصرف کرد. خیمس به آنها اطمینان می‌داد که ارزش این بازیکن در عرض یک سال، ۲ یا ۳ برابر خواهد شد. لایبزیش باشگاهی بود که این قمار را انجام داد.

■ یک فصل حضور دیوماندِه در بوندس لیگا فوق‌العاده بود و به خاطر عملکردهای خیره‌کننده‌اش، جایزه بهترین بازیکن تازه‌کار فصل را برایش به ارمغان آورد. آمار و ارقام اصلی او ۱۲ گل و ۸ پاس گل بود و با مال (۲۷ بازی، ۱۶ گل و ۱۱ پاس گل) تنها بازیکن زیر ۲۴ سال دیگر بود که فصل گذشته حداقل ۲۰ گل در لیگ برتر اروپا به ثمر رساند.

■ نسبت به دوران کوتاه حضور در اسپانیا، تعداد دربی‌های دیوماندِه به ۷۰۷ در هر ۹۰ دقیقه رسید که بیشترین تعداد در میان همه بازیکنان (۹۰۰ دقیقه) در بوندس لیگا بود و نرخ تکمیل ۵۵.۴ درصد پاس‌های او، چهارمین میزان بین ۶۸ بازیکنی بود که به‌طور متوسط حداقل ۲ دربی در هر ۹۰ دقیقه داشتند.

■ دیوماندِه در هر دو پا قوی است و هم در فضاهای تنگ و هم در فواصل طولانی تهدیدی جدی محسوب می‌شود. او می‌تواند برای یک تیم انتقالی با تیمی که مالکیت توپ را در اختیار دارد و در خارج از محوطه جریمه حریف اردو زده است، یک مزیت باشد. برای مثال، او ۲۱ بار در حالی که به سمت محوطه جریمه حمله می‌کرد، توپ را از حریف گرفت (۷ بار بیشتر از هر بازیکن دیگر بوندس لیگا)، ۲۹ بار در محوطه جریمه توپ را از حریف گرفت (دوم پس از لویس دیاس - ۳۰).

■ او موقعیت گل‌بیشتر از تعداد شوت‌هایش در هر بازی (۲۰ شوت) ایجاد کرد و حتی به‌طور کلی‌تر، ۱۹ شوت او در هر ۹۰ دقیقه، کمی کمتر از ۲ موقعیت گل ایجاد شده در بازی آزاد بود.

پس از بازگشت دیوماندِه به ایبجان، لوه‌ن‌وتر تیبی داد که این نوجوان برای یک آزمون به اسپانیا برود. او به بورخا خیمس، سرمربی لگنس گفته بود که مسی جدید را کشف کرده است. دیوماندِه در نوامبر ۲۰۲۴ قرارداد امضا کرد اما مجبور شد تا سال ۲۰۲۵ صبر کند تا به باشگاه جدیدش بپیوندد و در ابتدا با تیم ب آنها تمرین کرد. یک مصدومیت نیز دوره جا افتادن او را مختل کرد تا اینکه با یک بازی دوستانه بین تیم ب و تیم اصلی نظر همه را جلب کرد. بورخا خیلی زود مجبور شد از سرمربی تیم بخواهد که دیوماندِه را تعویض کند، چون می‌ترسید یکی از بازیکنان تیم اصلی از سر حسادت، او را مصدوم کند. از فردای آن روز، یان با تیم اصلی تمرین کرد.

ظرف چند روز، یان نخستین بازی حرفه‌ای خود را در لالیگا انجام داد، آن هم در ورزشگاه اینه‌کس که لگنس ۳ بر ۱ از رئال مادرید عقب بود، با نخستین لمس توپ، دیوماندِه توپ را به رئال اسنسیو لو داد. اما اعضای لگنس معتقد به پنهان‌بودن خود این بازیکن هم بعد از بازی از داوری انتقاد کرد و رئال را تیمی معرفی کرد که همواره از داوری سود می‌برد. سپس پیراهن امپایه را هدیه گرفت.

دیوماندِه با اینکه چند هفته پس از نخستین بازی‌اش خبر فوت خواهر کوچک‌تر را شنید، در هر ۱۰ بازی پایانی لگنس در فصل ۲۵-۲۰۲۴، به‌طور میانگین در هر ۹۰ دقیقه ۵.۵ تلاش برای دربی‌ل زن داشت و چهارمین بازیکن برتر لالیگا بود که حداقل ۴۰۰ دقیقه در این مدت بازی کرد. او در هر ۹۰ دقیقه ۲.۸ دربی‌ل موفق داشت که نرخ موفقیت او را به ۵۹ درصد می‌رساند و فقط ۳ بازیکن با میانگین ۳+ تلاش دربی‌ل در هر ۹۰ دقیقه در مدت مشابه آماری بهتر از این داشتند. برای مقایسه، ویتسیوس جونیور (۴۰ درصد) و لامین یامال (۵۴.۸ درصد) هر دو از دیوماندِه عقب ماندند.

او شجاع و پیگیر توپ بود و با میانگین ۱۰+ متر حمل توپ در هر ۹۰ دقیقه (۶۶)

بین وینگرها، سومین بازیکن از نظر تعداد حمل توپ در فضای باز بود، در حالی که فقط ۴ بازیکن به‌طور میانگین موقعیت‌های بیشتری در فضای باز نسبت به او ایجاد کردند (۲.۳). با این حال دیوماندِه نتوانست لگنس را از سقوط نجات دهد.

خیمس معتقد است که اگر دیوماندِه در اوایل فصل به آنها ملحق می‌شد، آنها را به سمت رقابت‌های اروپایی سوق می‌داد. لگنس تنها با یک امتیاز اختلاف نسبت به سویای هفدهم جدول فصل را به پایان رساند.

از بازیکن کوچ‌نشین آزمایشی تا سوپر استار شدن در بوندس لیگا و انتقال ۱۲۵ میلیون یورویی به رئال مادرید فقط ۲ سال راه بود. یان دیوماندِه به گران‌ترین بازیکن تاریخ رئال مادرید تبدیل شده است؛ بازیکنی که هنوز تعداد گل‌های عمرش اندازه نصف گل‌های یک فصل کریس رونالدو هم نیست؛ این، داستان سفر او از یک دبیرستان آمریکایی به سانتیاگو برنابئو در عرض ۲ سال است.

برای فوتبال‌بست‌های جوان آفریقایی که رویای ساختن یک حرفه در این ورزش را در سر می‌بروراند، بهترین مسیرها به شمال اروپا ختم می‌شود، جایی که بیشتر پول و فرصت‌ها وجود دارد، اما داستان یان دیوماندِه فرق دارد و کار او از جایی آغاز شد که کمتر کسی انتظار دارد چنین استعدادی آنجا پرورش یافته باشد؛ از ایالات متحده که هنوز به فوتبال می‌گویند ساکرا!

آمریکا به‌عنوان منبع پرورش استعداد فوتبال شناخته نمی‌شود و حتی آکادمی‌های مشهور جهانی هم آنجا نماینده‌ای ندارند، ولی این بازیکن آفریقایی ۴ سال پیش که ۱۵ ساله بود و هنوز نمی‌توانست انگلیسی صحبت کند، در یک دبیرستان محلی در آمریکا رویاپردازی‌اش را آغاز کرد. او ابتدا مشکلاتی فرهنگی و تطبیق ناپذیری با زندگی در آمریکا داشت و زمان برد تا به شرایط عادت کند و گهگاه در زمین مسابقه اتفاقات ناگواری رخ می‌داد؛ مثلاً با آرنج به حریفی که خطا کرده بود، ضربه می‌زد و نمی‌توانست احساس‌اش را کنترل کند.

تا تابستان ۲۰۲۳ یعنی ۳ سال پیش، یان در آکادمی DME که ۶ بازیکن در تیم AS Frenzi در لیگ نیمه‌حرفه‌ای فوتبال برتر یونایتد (USPSL) داشت، بازی می‌کرد. آنها برای نخستین بار عنوان قهرمانی USPSL را کسب کردند و جوان ساحل‌عاجی با زدن ۲ گل در فینال، کفش طلا را نیز از آن خود کرد. دیوماندِه ۱۶ ساله ستاره تیم بود و عملکردش باعث شد توجه تیم‌های لیگ برتر (MLS) را به خود جلب کند. از او برای تمرین و تست دادن دعوت شد اما نتوانست نظر باشگاه‌ها را جلب کند. سپس آزمایش‌های اروپایی از راه رسید. بورنموت، چلسی، رنجرز، المپیاکوس و کریستال پالاس همه جواب منفی دادند. جف لوه‌نوا، مدیر اجرایی سابق بیسبال و کارآفرین مکزیک-آمریکایی، کسی بود که ابتدا در آفریقا گروهی را تأمین مالی کرد تا استعدادهای محلی را شناسایی و سرمایه‌ای را برای ورود به آکادمی‌های اروپا و آمریکا باز کند. ژوئن ۲۰۲۲، او باشگاه لگنس اسپانیا در دسته دوم را از طریق شرکت سرمایه‌گذاری و مدیریت ورزشی خود، بلو کرو اسپورس خرید.

